

درس دهم باغچه‌ی اطفال

املا و دانش زبانی

۱ با توجه به متن درس، واژه‌ها را کامل کنید.

سرگزشت	خویش	اقامت	خشنود
نمی‌پذیرند	اطفالی	تصویر	استعدادشان

۲ با توجه به متن درس، جاهای خالی را با واژه‌های مناسب کامل کنید.

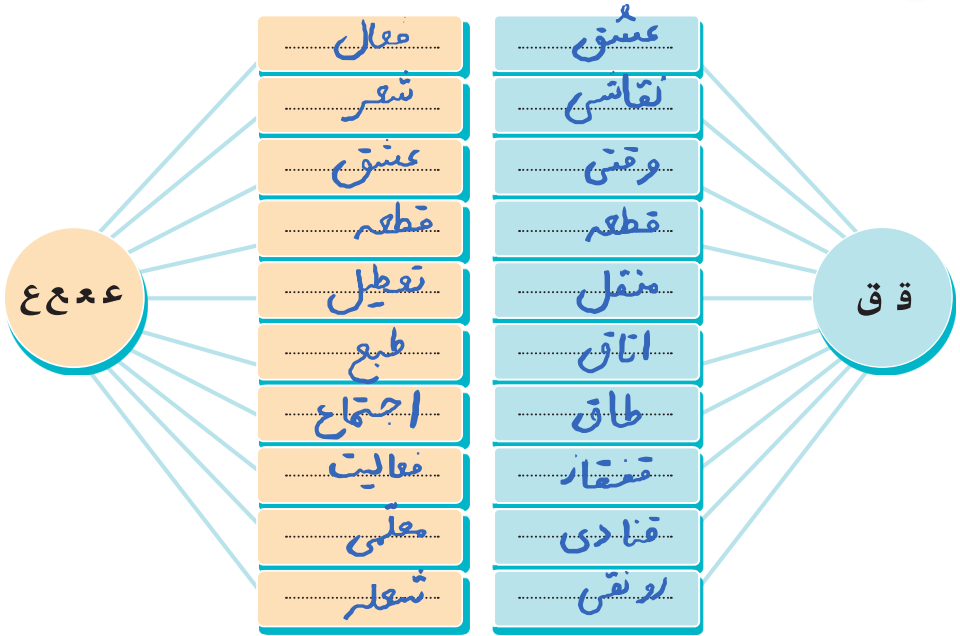
چهار باغچه‌بان پس از پایان دوره‌ی مکتب، نزد پدر **حرفی** بنایی و قنادی را یاد گرفت. پدر او در ساختن **طاق** مسجد و گچ‌بری استاد بود؛ اما هیچ یک از این کارها **طبع** پرشور و ذهن جویای او را **راضی** نمی‌کرد. او که در شعله‌ی **فروزان** خدمت به مردم می‌سوخت، پس از **برگزیده** شدن برای آموزگاری به فکر دایر کردن کودکانی در تبریز افتاد.

۳ نمودار جمله‌های زیر را رسم کنید.

مهرداد خوابید.	مینا خندید.	حکیم اندیشید.
خوابید مهرداد	خندید مینا	اندیشید حکیم



۱ با توجه به متن درس، واژه‌هایی که حروف زیر را دارند، پیدا کنید و بنویسید.



۲ پنج جمله از متن درس را که به نظرتان جالب است، بنویسید.

مجموعه دانش آموز



۱ از روی سرمشق زیر، خوش خط و زیبا بنویسید.

هر روز و هر شب چون باغبانی

مشغول کار است باهربانی

هر روز و هر شب چون باغبانی

مشغول کار است باهربانی

✓ به عهده‌ی دانش آموز

از تابش این خورشید خندان

سرسبز و زیباست باغ دبستان

از تابش این خورشید خندان

سرسبز و زیباست باغ دبستان



۲ در متن درس، واژه‌هایی را

پیدا کنید که با نشانه‌های داخل

بادبادک آغاز شوند؛ آنها را در

دنباله‌های بادبادک‌ها بنویسید.





جمله‌های زیر را بخوانید و به واژه‌هایی که مشخص شده است، توجه کنید.

❶ شیر کوچولو از این ماجراها بی‌خبر بود؛ **چون** قدم یازدهمی را بر نداشته بود.

❷ حرفش را ادامه نداد؛ **زیرا** خوابش برده بود.

❸ **چون** کاغذی برای نوشتن نداشت، روی ماسه‌های نرم کنار دریا می‌نوشت.

در مثال‌های بالا واژه‌هایی مانند «**چون**» و «**زیرا**»، جمله‌ها را به هم وصل می‌کنند؛ مثلاً در شماره‌ی یک، دو جمله‌ی زیر با «**چون**» به هم وصل شده‌اند. دقت کنید که جمله‌ی اول مفهومی را بیان می‌کند و جمله‌ی دوم دلیل آن را می‌گوید.

❹ شیر کوچولو از این ماجراها بی‌خبر بود.

❺ قدم یازدهمی را بر نداشته بود.

❻ در متن درس «**باغچه‌ی اطفال**» جمله‌هایی را که با «**اما**»، «**ولی**» و «**زیرا**» به هم وصل شده‌اند، پیدا کنید و در کادر زیر بنویسید.

بدرم در ساختن طاق مسجد و گنج بری استاد بود؛ اما در همه ماه‌های سال نمی‌توانست به کار بنایی بپردازد.

آن وقت بدرم به قتادی می‌پرداخت و از این راه، خانواده خود را اداره می‌کرد؛ اما قتادی رونق نداشت.

و زندگی به سختی می‌گذشت

نزد پدر، حرفه بنایی و قتادی را یاد گرفتم؛ ولی هیچ یک از این کارها طبع پرشور و ذهن جویای

مرا راضی نمی‌کرد

او راست می‌گفت؛ زیرا آنها نه تنها نمی‌توانستند به کودکشان خواندن و نوشتن بیاموزند بلکه

از نگهداری او نیز عاجز بودند

اولیای این کودکان هرگز باور نمی‌کردند که فرزندشان، خواندن و نوشتن بیاموزد؛ ولی در پایان

سال تحصیلی، آن‌ها هم مانند دیگران امتحان دادند و قبول شدند



متن زیر را بخوانید.



پرستوها بهار و تابستان را به آسودگی به سر می‌برند؛ اما در آغاز پاییز دشواری‌هایی برای آنها پیش می‌آید. در آن هنگام، حشرات کمیاب می‌شوند و هوا رو به سردی می‌رود. به ناچار، پرستوها باید لانه‌ی خود را ترک بگویند و به جاهای معتدل تری کوچ کنند.

وقتی که زمان کوچ آنها فرا می‌رسد، دسته دسته روی بام‌ها یا سیم‌های برق جمع می‌شوند و به نظر می‌آید که به گفت‌وگوی مهمی مشغول هستند. به زودی، عده‌ای دیگر از راه دور می‌رسند و جنب‌وجوش آنها رفته‌رفته زیادتر می‌شود؛ تا اینکه یک روز صبح که از خواب برمی‌خیزیم، از پرستوها نشانی نمی‌بینیم. آن وقت معلوم می‌شود که آنها کوچ کرده‌اند. در این سفر دراز، خطرهای بسیاری وجود دارد. یکی از این خطرها، تغییرات هواست. خطر دیگر، حمله‌ی پرندگان شکاری مانند عقاب، شاهین و قرقی است. این پرندگان، هنگام پرواز، ناگهان خود را در میان پرستوها می‌اندازند و با چنگال‌های نیرومند خود، آنها را شکار می‌کنند.

متن بالا از چند بند تشکیل شده است؟ بنویسید هر بند درباره‌ی چه چیزی بود.



بند اول: دلایل کوچ پرستوها

.....

بند دوم: چگونگی کوچ پرستوها

.....

بند سوم: خطرهای کوچ پرستوها

.....

کوچ پرستوها

موضوع کلی متن چیست؟

